

رهیافتی بر ایده تمدن در قرآن کریم با محوریت مفهوم شریعت

مجید محمدلو^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

چکیده

منشأ شکل‌گیری، پویایی و عدم رکود هر تمدنی وابسته به جریان‌ی (اعم از مادی و معنوی) است که به محوریت آن پدید می‌آید. در تلقی مدرن، آنچه تمدن و تاریخ بشر را ایجاد کرده و جلو می‌برد تمرکز بر محور مادیات است که به مرور با دخالت ابداع بشری و خلاقیت فرهنگی برآمده از طبیعت، غریزه و میراث انسانی، مؤلفه‌های معنوی، فکری و فرهنگی مختص خود را نیز ایجاد کرده و در نهایت این ساختارهای غیرمادی اصل تمدن و شاکله آن را شکل می‌دهند. درحالی‌که از نگاه دینی، اولاً نقطه آغاز تاریخ با جریان الهی و خلقت انسان کامل رقم خورده و با انسان کامل پایان می‌یابد؛ ثانیاً جریان، عنصری محوری به‌نام شریعت است که منشأ و عامل پیش‌برنده تمدن محسوب می‌شود. مراد از شریعت، جریان الهی است که خداوند برای پیامبران یا امت‌ها قرار می‌دهد و آن را در قالب مجموعه‌ای از احکام، عقاید و قوانین متجلی می‌سازد؛ لذا شریعت در اینجا صرف اعتباریات شرعی و احکام فقهی نیست بلکه در مفهومی فراخ، حوزه واقعیت و قوانین تکوینی، ابزار و فناوری را نیز شامل می‌شود. این وضعیت کیفیت دخل و تصرف انسان در عالم واقع را جهت‌دهی می‌کند. جریان‌ی بودن، تاریخی بودن و استمرار تشریح متناسب با هر نبی و امتی نشان از این دارد که این غایت نیز غایتی تدریجی و تاریخی بوده و شریعت‌های گوناگون، رسالت تحقق بخشی از این مهم را برعهده دارند و با توجه به ختم نبوت، شریعت محمدیه (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آخرین بخش از تحقق این آرمان بوده و وعده اقامه دین در متن همین شریعت به‌وقوع خواهد پیوست.

کلیدواژه‌ها: تمدن، قرآن کریم، جریان مادی، جریان شریعت.

مقدمه

شناخت و مطالعه تمدن‌ها عمدتاً مبتنی بر مطالعات تاریخی است که برخی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های عینی و غیرانتزاعی را برای تمدن‌ها برمی‌شمارد و از آنها به‌عنوان شاخص و ملاک تحقق تمدن و تجلیات آن در زمان و مکانی خاص یاد می‌کند؛ اموری مانند پیشرفت ابزاری بی‌حدوحصر بشر، توسعه مادی توأم با نظم، رفاه فزاینده مادی، کلان بودن از حیث فرهنگ و جغرافیا، پیشروی و اشاعه معرفت، زوال خرافات و غلبه عقلانیت، تسهیل و تسریع در مراودات، زوال جنگ و نزاع و ... از این قبیل هستند (پهلوان، ۱۳۸۸، ص. ۴۰۸). حتی با وجود اندیشمندانی (چه در غرب و چه در شرق) که قائل هستند معنویت و اخلاق به‌عنوان یکی از ارکان تمدن به‌حساب می‌آید؛ اما اساس متمدن بودن در «ترقی و پیشرفت مادی» رقم می‌خورد و این سطح پیشرفت و ترقی مادی است که اصلی‌ترین نشانه تحقق تمدن است. لذا اگر فقط مؤلفه‌های اخلاقی و معنوی را فارغ از مؤلفه پیشرفت مادی در نظر بگیریم تمدنی صورت نمی‌پذیرد. رکن و ماده اصلی هر تمدنی، ترقی و پیشرفت مادی آن بوده و معنویت در صورت آن نقش دارد (جعفریان، ۱۳۹۸).

مؤلفه‌ها و ارکان تمدنی مرسوم عمدتاً پسینی بوده و مبتنی بر مطالعات تاریخی تمدن و با تأکید بر مؤلفه‌های خاص برخی از تمدن‌های موجود در تاریخ، البته با خوانش مدرن، استقرا و صورت‌بندی شده‌اند که در نتیجه آن، شناسایی و مطالعه تمدن‌ها با این شاخص‌ها صورت می‌گیرد. چنین دیدگاهی در تحلیل مفهوم تمدن و ارکان آن بر ایده پیشرفت خطی تاریخ مبتنی است که با تکیه بر ایده روشنگری و مفهوم مدرنیته، مؤلفه‌هایی را برای «تمدن» بازگو می‌کند که در آن بر تطور دنیوی در مقابل نگاه دینی و پیشرفت خودبنیاد انسانی تأکید می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵). درحالی‌که اگر از منظر آموزه‌های الهی به تاریخ و سیر جریان‌ها، اقوام و تمدن‌های تاریخی و عوامل ظهور و سقوط تمدن‌ها و جوامع نظاره شود، ما با جابه‌جایی عناصر محوری در تحلیل تمدن‌ها مواجه خواهیم بود؛ زیرا اولاً برخی از مؤلفه‌ها و ارکانی که اکنون برای تمدن ذکر می‌شوند از اصالت می‌افتند؛ ثانیاً ارکان جدیدی به‌عنوان مؤلفه اصلی در

۲. از دیدگاه ویل دورانت هر تمدنی از چهار رکن اساسی برخوردار است؛ پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ۳/۱)؛ فوکوتساوا نیز چهل و فقدان فضیلت را بیماری تمدن ذکر کرده و اساس تمدن را پیشرفت در معرفت و فضیلت می‌داند (یوکویچی، ۱۳۷۹، ص ص. ۱۲۵ و ۱۳۹).

ظهور و سقوط تمدن‌ها و تحلیل تمدنی معرفی می‌شوند؛ ثالثاً درجه اهمیت و اعتبار ارکان تمدنی در نسبت با هم تغییر پیدا کرده و برخی بر دیگری مقدم یا مؤخر از آن می‌شوند و در نهایت حدود و ضوابط اطلاق یا عدم اطلاق تمدن به قوم، جامعه یا حوزه مکانی خاص تغییر پیدا می‌کند. مهم‌ترین مفاهیمی که می‌توان در پرتو آنها رهیافتی به ایده تمدن از منظر قرآنی پیدا کرد عبارت از «جریان»، «شریعت» و «اقامه دین» است. مفهوم جریان کیفیت شکل‌گیری تمدن را نشان می‌دهد، عبارت شریعت نسبت و چگونگی پیوند الهیات با تمدن را معین می‌کند و در نهایت اقامه دین، پرده از آرمان تمدن الهی برمی‌دارد.

چارچوب مفهومی

تمدن؛ واژه civilization (تمدن یا شهرآیینی) برگرفته از واژه (civis) به معنای کسی که در شهر زندگی می‌کند است (عسگری و کمالی، ۱۳۷۸، ص. ۲۰۸). واژه civilization در زبان لاتینی کلاسیک وجود نداشته بلکه ساخته دوران رنسانس (نوزایی) بوده و به معنای آراسته شدن به آداب و ادب مردم شهرنشین است (آشوری، ۱۳۸۱، ص. ۲۶).

در پس معنای تازه civilization روح کلی روشنگری با تأکید بر تحول دنیوی (غیردینی) و پیشرفت بشر با اتکای بر خود (عقلانیت) نهفته است. مفهوم جدید «تمدن» در غرب را باید از قرن هجدهم و نقطه ارتباط بین تمدن و مدرنیته دنبال کرد. در این قرن با توجه به ایده‌های پیشرفت و با تکیه بر ایده روشنگری و مفهوم مدرنیته، مفهوم جدیدی از «تمدن» شکل می‌یابد که در آن بر تحول دنیوی و البته غیردینی و بر پیشرفت خودبنیاد انسانی تأکید می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵).

مفهوم اخلاقی تمدن که در قرن ۱۸ به معنای ادب در رفتار بوده و بیشتر بر جنبه فردی و نه اجتماعی دلالت داشت، در قرن ۱۹ تغییر می‌یابد و جامعه و نظم اجتماعی و معرفت نظام‌یافته در مفهوم واژه «تمدن» لحاظ می‌شود. به دیگر بیان در این قرن علاوه بر مفهوم ادب و پیشرفت در رفتار انسانی، نظام اجتماعی و معرفت نظام‌مند نیز در مفهوم تمدن منظور می‌گردد. در حقیقت در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در میان دانشمندان اروپایی این باور گسترده بود که همه جوامع انسانی درگیر روند پیشرفت تاریخی خطی و مستقیمی هستند که به واسطه آن شرایط یک جامعه به تدریج بهبود می‌یابد و در هر بخشی از این تغییرات، جوامع مراحل مختلفی مانند وحشیگری، بربریت و در نهایت تمدن را تجربه می‌کنند. لذا تمدن در این سیر تاریخی به عنوان آخرین موقف در سفر طولانی جامعه بشری شناخته می‌شد که مراحل مختلف این تکامل خطی اجتماعی با جوامع انسانی خاصی برابری می‌کرد.

وجود سازمان و نظم اجتماعی، رفاه و پیشرفت مادی قابل ملاحظه، نقطه مشترک بسیاری از

دیدگاه‌های اندیشمندان غربی در تعریف تمدن است.

شریعت مجموعه‌ای از احکام، عقاید و قوانین الهی است. ریشه شَرَع پنج مرتبه در قرآن استعمال شده که در چهار مورد دارای معنای مشترک راه و روش مخصوص است. در سه آیه اشاره شده است که شریعت ریشه در امری به نام دین داشته و از آن جریان دارد؛ در دو آیه به صراحت «دین» منشأ شریعت معرفی شده است. در بیان قرآن همه شرایع جاری از امر واحدی به نام دین بوده، با این حال متفاوت از یکدیگرند؛ لذا نسبتی اخص از دین دارند. منشأ تفاوت و اختلاف شرایع نیز به همین مسئله بازگشت دارد. آیه ۴۸ سوره مائده صراحت بر این دارد که برای هر امتی شریعتی متفاوت قرار داده شده است؛ چنین تفاوتی منشأ تفاوت اوضاع و احوال در شریعت‌های متعدد است. به همین دلیل شرایط متفاوت حاکم بر دورانی مانند ملک سلیمان (علیه‌السلام)، موسی (علیه‌السلام)، یوسف (علیه‌السلام)، ابراهیم (علیه‌السلام) و ... را باید در تفاوت شریعت نازله در این دوران جست؛ مراد از شریعت در اینجا صرف اعتباریات شرعی و احکام فقهی نیست؛ بلکه شریعت در مفهومی فراخ و وسیع حوزه واقعیت و قوانین تکوینی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بر این اساس گزارش قرآن از حوادث و اتفاقات به ظاهر عجیبی که در دوره انبیاء رخ می‌دهد، انواع معجزات، ارتباط بین عوالمی، دخالت و نقش موجودات غیرانسانی در عالم و ... به گستره شریعت در آن دوره بازمی‌گردد و همگی این امور در چهارچوب شریعتی هستند که خداوند از آبخور دین جاری ساخته است.

بنابراین شریعت مسیر اتصال و ارتباط عالم ماده با ورای خود است که در قالب آن احکام، اخبار، قوانین الهی و حتی ابزار در اختیار بشریت قرار می‌گیرند و متناسب با آن حیات اجتماعی بشر تغییر می‌یابد و ویژگی‌هایی متفاوت از دوره قبل بر آن حادث می‌شود. لذا تفاوت ویژگی‌های حیات اجتماعی در دوره هر نبی را باید در ویژگی‌های شریعت آن نبی جست که از ظرف دین بر وی نازل شده است. جریان، عنوان عامی است که به وسیله آن کیفیت ساخت و شکل‌گیری تمدن‌ها تبیین و تحلیل می‌شود و اختصاص به رویکرد الهی در باب تمدن ندارد و مراحل شکل‌گیری، دگرگونی، رشد و افول تمدن‌ها را هم در نگاه مادی و هم در رویکرد دینی، می‌توان با این مفهوم بیان کرد. بنابراین جریان رکن سازنده تمدن‌ها است و کیفیت ساخت تمدن به وسیله آن در دو دیدگاه مادی و دینی ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش براساس روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و سپس با توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از آن طریق سامان یافته است. ابتدا با مطالعه و بررسی اسناد، مقالات و کتب مرتبط با

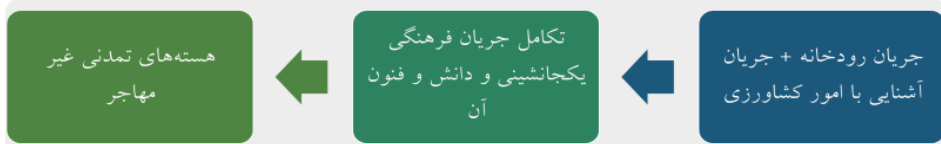
پژوهش به گردآوری داده‌های لازم در باب موضوع پرداخته شده است. بررسی داده‌ها فرضیه اولیه در باب تمدن و نسبت آن با مفهوم جریان مادی و الهی را شکل می‌دهد و چنین به ذهن می‌رساند که رابطه و نسبتی بین این مفاهیم باید وجود داشته باشد؛ لذا در ادامه با کاربست روش تجزیه و تحلیل، که ارتباط دو یا چند متغیر مورد نظر را بررسی می‌کند و به کشف یک ارتباط علمی می‌پردازد، روابط بین داده‌ها بررسی شده تا در جهت تقویت فرضیه اولیه گام برداشته شود.

یافته‌های پژوهش

تمدن‌ها براساس مجموعه عواملی شکل می‌گیرند که می‌توان آنها را عوامل و ارکان تمدن‌ساز نامید؛ این عوامل به‌مثابه امکاناتی برای ایجاد و بالندگی تمدن هستند. نکته مهم در اینجا این است که عوامل تمدن‌ساز نباید دچار رکود باشند تا بتوانند ضامن بقای تمدن، رشد و بهینگی آن باشند. بنابراین باید عوامل سازنده از خاصیت جریانی برخوردار باشند و بتوانند با جریان مداوم خود در لایه‌های متعدد تمدن، پویایی آن را به ارمغان بیاورند. عوامل تمدن‌ساز را می‌توان در قالب جریان‌های مادی و معنوی بررسی و تحلیل کرد.

تحلیل جریان تمدن‌ساز در نگاه مادی

مراد از جریان‌های مادی، نقش عوامل مادی محیط طبیعی یا انسانی در ظهور و سقوط و تداوم یک تمدن است؛ مانند جریان آب رودخانه، روند اقامت‌گزینی، جریان تولید ابزار صنعتی، جریان کشاورزی و ... که نقش اولیه و اساسی این جریان‌ها در شکل‌گیری تمدن‌های حوزه بین‌النهرین به‌وضوح قابل مشاهده و پیگیری است.



نمودار ۱. ارکان مادی شکل‌گیری تمدن‌ها

جریان‌های معنوی، روح و ماهیت تمدن را تشکیل می‌دهند و تمدن‌ها در ادامه حیات خود متناسب با جریان معنوی نهفته در خود، ساختار متناسب و متفاوتی از سایر حوزه‌های تمدنی به‌خود می‌گیرند. جریان خاص فکری، جریان فرهنگی، جریان اخلاقی، جریان هنری، جریان عبادی و ... نمونه‌ای از جریان‌های معنوی هستند که تمدن سازگار و متناسب با خود را و البته متفاوت از سایر تمدن‌ها، ایجاد می‌کنند.

نکته مهم دیگر وجود رابطه تأثیر و تأثری مابین جریان‌های تمدنی است؛ جریان‌های مادی (مانند رودخانه) ولو در مرتبه اول یک جریان صرف مادی بوده و ذاتاً معنوی نباشند، اما در طول حرکت تدریجی و تاریخی تمدن، عنصر معنوی مقتضی خود را ایجاد خواهند کرد. رودخانه جریان آبی است که به‌طور مستقیم برای رفع تشنگی و آلودگی به انسان کمک می‌کند و به‌طور غیرمستقیم در تأمین نیازهای اساسی دیگر او سودمند است؛ اما همین رودخانه سبب می‌شود که سبک زندگی انسان در حوزه تغذیه، بهداشت عمومی و سلامت، آداب و رسوم، ادبیات، تفریح، سبک رفتار انسان در قبال حیوانات (مورد استفاده برای کشاورزی)، معماری، نظم اقتصادی و رقابت در عرصه مالکیت‌های مربوط به زمین کشاورزی و حتی دیدگاه او درباره تحلیل موضوعات پیرامونی خود تغییر یابد؛ بنابراین با تحلیل زندگی در بستر رودخانه مشاهده می‌شود که به‌مرور با تولید مؤلفه‌های معنوی مبتنی بر محیط طبیعی، جریان یافتن اندیشه و ارزش‌هایی فراتر از مادیات محیطی به اصول اساسی تبدیل شده و جریان مادی، منشأ جریان‌های پیچیده و سامانمند در حوزه زندگی اجتماعی و فردی ساکنین می‌شود.

تحلیل جوامع به دور از حوزه رودخانه و دارای اقلیم خشک (به فرض صدق تمدن) نیز همین سازوکار را داشته و ویژگی محیط به‌مرور خلیات، آداب اجتماعی و سایر جریان‌های معنوی مختص خود را ایجاد می‌کند که هم می‌تواند به نابسامانی، جنگ و آشوب منجر شود، مانند وضعیت فرهنگی و اجتماعی مردم حجاز در دوران قبل از اسلام؟ یا هم‌زیستی تمدنی همانند آنچه در حجاز بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در جزیره‌العرب رخ داد را به ارمغان بیاورد. بنابراین جریان مادی شرط کافی برای تمدن‌سازی نبوده، اما می‌تواند در کنار جریان فکری، فرهنگ‌ساز و در نتیجه تمدن‌ساز باشد.

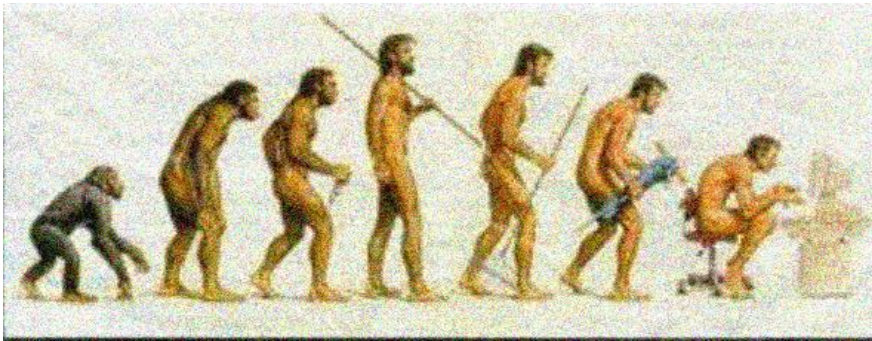


نمودار ۲. سیر تمدن براساس جریان مادی

آنچه تا اینجا بدان پرداخته شد تأثیر مستقیم عوامل مادی در ایجاد هسته‌های اولیه تمدنی و همچنین تأثیر آنها در ساخت دیگر ارکان غیرمادی تمدنی بود. در این دیدگاه هسته‌های فکری و معنوی و

۳. بر همین اساس است که ویل دورانت شاخص امنیت را زیربنای برقراری تمدن می‌داند و شکل‌گیری تمدن را زمانی ممکن می‌داند که هرج و مرج پایان یافته باشد؛ زیرا با از بین رفتن ترس است که عنصر ابداع و اختراع در نهاد بشر به‌کار می‌افتد (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ۳/۱).

ساختارهای ناشی از آن در تمامی تمدن‌ها، اموری بشری و زمینی تلقی می‌شوند. در این خوانش نقطه ابتدائی حیات فرهنگی انسان در سطحی برابر با سایر موجودات بوده و انسان از زیست طبیعی حیوانی برخوردار بوده است؛ اما در ادامه بشر به واسطه قوه عقلانیت، تفکر، استعداد، نبوغ و ابتکار خود و استمداد و به‌کارگیری آنها در حیات مادی، سطح زندگی خود را از سایر موجودات تمایز بخشیده و به مرتبه بالاتر و متکامل‌تری از حیات مادی و فرهنگی نائل می‌گردد و این سیر تکاملی از آغاز حیات تا اکنون ادامه داشته و خواهد داشت. در این دیدگاه ابتدا طبیعت و در مرتبه بعد خود بشر (با انباشت تجربه و میراث تاریخی) و غرایز نهفته در وی، آموزگار او بوده است. انسان در تعامل با طبیعت و محیط مادی خود و با مشاهده وقایع و حوادث، اقدام به الگوبرداری از پدیده‌های طبیعی، تطبیق با جریان‌های مادی طبیعت و تأمین ضروریات غریزی و زیستی خود می‌کند. هم‌زمان عنصر ابداع و نبوغ ذاتی بشر نیز وارد میدان شده و با دخل و تصرف در ماهیت طبیعی امور و پدیده‌ها مصنوعات و تولیدات بشری را در عرض طبیعت به ارمغان می‌آورد و به‌مرور زمان بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود تا جایی که در یک دوره‌ای، طبیعت و تولیدات آن از اصالت افتاده و مصنوعات بشری جای آن را می‌گیرد.



تصویر ۱. محور تمدن؛ انسان ابزارساز

نشانه‌شناسی توالی شش سکانس برگرفته‌شده از فیلم معروف «A Space Odyssey: 2001» به‌وضوح گویای سیر تمدن و تطور تاریخی بشر مبتنی بر این دیدگاه است.



تصویر ۲. سیر تکامل ابزاری تمدن

ریشه‌های تمدن بشر با فهم ابزار توسط نمونه‌های اولیه انسانها آغاز می‌شود. زندگی در طبیعت و اقتضائات آن، ابزار تعامل و زیست در طبیعت را برای انسان [اولیه] به ارمغان می‌آورد (۱ و ۲). فهم انسان از ابزار طبیعی و کاربرد آن، از مرحله بسیط وارد مراحل پیچیده‌تری می‌گردد و انسان در رقابت و تنازع برای بقا از طبیعت علیه هموعان [و در ادامه علیه خود طبیعت] بهره می‌جوید (۳ و ۴). در نهایت در طول هزاران سال زندگی و تجربه‌آموزی، انسان به فناوری برای تسخیر قلمرو فراتر از مقیاس کره خاکی دست می‌یابد (۵ و ۶).

تحلیل قرآنی از جریان سازنده تمدن

از منظر تعالیم دینی، مبدأ تاریخ، فرهنگ و تمدن با خلقت الهی آغاز می‌شود. خداوند اولین انسان (آدم (علیه‌السلام)) را می‌آفریند و با همسرش در بهشت سکنی می‌دهد^۴. مخلوق الهی از همان اول هنر تکلم و از همه مهم‌تر علم به اسماء الهی را از خداوند می‌آموزد؛ بنابراین اولین تعالیم، تعالیم الهی و حیوانی هستند «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (سوره بقره، آیه ۳۱)^۵. وی در بهشت از میوه درخت ممنوعه علم (هم در تلقی مسیحی و هم در تلقی اسلامی و شیعی) تناول می‌کند (بیگدلی، ۱۳۹۱، ش: ۳۳۴). «قال الإمام أبو محمد العسكري (عليه السلام): ... قال الله تعالى: وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» تلتمسان بذلك درجة محمد و آل محمد و فضلهم، فإن الله تعالى خصهم بهذه الدرجة دون غيرهم و هي الشجرة التي من تناول منها ياذن الله لهم علم الأولين و الآخرين من غير تعلم و من تناول منها غير إذن خاب من مراده و عصي ربه. «فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» بمعصيتكما و التماسكم درجة قد أوثر بها غيركما- كما أردتما-

۴. در اینکه بهشت آدم از بهشت‌های دنیا بوده، روایاتی از طرف اهل بیت (علیه‌السلام) رسیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۳۹/۱) به‌طور نمونه در تفسیر قمی از پدرش و او بدون سند روایت کرده است: «سئل الصادق (عليه‌السلام) عن جنة آدم أمن جنان الدنيا كانت أم من جنان الآخرة فقال كانت من جنان الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر و لو كانت من جنان الآخرة ما أخرج منها أبدا آدم و لم يدخلها إبليس» (قمی، ۱۳۶۷، ش: ۴۳/۱). اهمیت این مسئله از این باب است که تفسیر معنای هبوط با زمینی یا فرازمینی بودن جنت ارتباط وثیق دارد.

۵. سپس همه اسماء [خصوصیات مخلوقات زمین] را به آدم آموخت.

بغیر حکم الله تعالی (بحرانی، ۱۴۱۶، ۱۷۷/۱)؛ و در نتیجه به امر الهی هبوط می‌کند. در مرتبه دوم و بعد از هبوط نیز مبتنی بر تعلیم الهی و وحیانی است که نبی خداوند قادر است به تنظیم و ترتیب دوباره رابطه خود با پروردگارش بپردازد «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (سوره بقره، آیه ۳۷).^۶

جریان به وجود آورنده تمدن و تاریخ در دیدگاه قرآنی با واژه «شریعت» ارتباط و هم‌بستگی دارد و در حقیقت همانطور که جریان آب در تلقی مادی مبدأ تمدن محسوب می‌شود، در دیدگاه دینی جریان شریعت بر عناصر مادی تفوق داشته و موجد و پیش‌برنده تاریخ و تمدن انسانی است. درحالی‌که دیدگاه‌های رایج تمدنی نقش مستقلی برای آن قائل نبوده و آن را مقوله‌ای از سنخ اندیشه یا فرهنگ عامه تمدنی برشمرده و یا به سطح مناسک و آداب نیایش مذهبی و آیینی تقلیل داده‌اند.

جریان شریعت

شریعت، محوری‌ترین عنصر در تحلیل تمدن از منظر دینی است. مراد از شریعت جریان الهی است که خداوند برای پیامبران یا امت‌ها قرار می‌دهد و آن را در قالب مجموعه‌ای از احکام، عقاید و قوانین متجلی می‌سازد؛ بنابراین ممکن است هر پیامبری شریعتی متفاوت از نبی پیش یا پس از خود داشته باشد یا برخی انبیا از شریعت یکسانی برخوردار باشند.

ریشه شَرَعَ پنج مرتبه در قرآن استعمال شده که در چهار مورد دارای معنای مشترک راه و روش مخصوص است. در سه آیه اشاره شده است که شریعت ریشه در امری به‌نام دین داشته و از آن جریان دارد؛ در دو آیه به‌صراحت «دین» منشأ شریعت معرفی شده و در آیه دیگر از آن تعبیر به «الامر» شده است؛

– «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّيَ بِهِ نُوْحًا وَاَلَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَا مَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيْمَ وَا مُوسٰى وَا عِيسٰى اَنْ

۶. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) درباره آیه «وَلَا تُقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» فرموده‌اند: مقصود آن است که (به آدم و حواء گفته شد): به آن درخت نزدیک نشوید که در نتیجه خواهان فضیلت و شایستگی محمد و آل محمد خواهید شد و هرکه با اجازه خداوند به آن درخت نزدیک شود و از آن تناول کند علم گذشتگان و آیندگان را به‌دست آورد و هرکه بی‌اذن الهی به آن درخت نزدیک شود و از آن بخورد بی‌گمان به بیراهه می‌رود و از پروردگارش نافرمانی می‌کند «فتکونوا من الظالمین». پس شما با نافرمانی خویش و تمنا نمودن جایگاه محمد و آل محمد برخلاف فرمان الهی گام برداشتید.

۷. آنگاه آدم کلماتی (یا عقاید و دستوراتی) را از پروردگارش دریافت کرد، پس توبه او پذیرفت زیرا که توبه‌پذیر مهربان اوست.

أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (سوره شوری، آیه ۱۳).^۸

– «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ وَكَوَلَا كَلِمَةَ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره شوری، آیه ۲۱).^۹

– «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره جاثیه، آیه ۱۸).^{۱۰}

بنابراین همه شرایع جاری از امر واحدی به نام دین بوده، با این حال متفاوت از یکدیگرند؛ لذا نسبتی اخص از دین دارند. منشأ تفاوت و اختلاف شرایع نیز به همین مسئله بازگشت دارد. آیه ۴۸ سوره مائده صراحت بر این دارد که برای هر امتی شریعتی متفاوت قرار داده شده است؛ «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِى مَا آتَاكُمْ»^{۱۱}. این اختلاف علاوه بر اینکه متناسب با دوران و شرایط خاص تاریخی بوده، متقابلاً اوضاع و احوال خاصی را نیز به وجود می‌آورد؛ لذا تفاوت ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر دورانی مانند ملک سلیمان (علیه‌السلام)، موسی (علیه‌السلام)، یوسف (علیه‌السلام)، ابراهیم (علیه‌السلام) و ... را باید در تفاوت شریعت نازله در این دوران جست؛ مراد از شریعت در اینجا صرف اعتباریات شرعی و احکام فقهی نیست؛ بلکه شریعت در مفهومی فراخ و وسیع حوزه واقعیت و قوانین تکوینی را نیز شامل می‌شود؛ بر این اساس گزارش قرآن از حوادث و اتفاقات به ظاهر عجیبی که در دوره انبیاء رخ می‌دهد، انواع معجزات، ارتباط بین عوالمی، دخالت و نقش موجودات غیرانسانی در عالم و ... به گستره شریعت در آن دوره بازمی‌گردد و همگی این امور در چهارچوب شریعتی هستند که خداوند از آبخشور دین جاری ساخته است؛ این وضعیت در کیفیت

۸. «برای شما از دین (آسمانی) همان را تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را که بر تو وحی کردیم و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، اینکه این دین را برپا دارید و در آن متفرق نشوید. بر مشرکان آنچه که به سوی آن دعوتشان می‌کنی دشوار و گران است. خداوند هر کس را بخواهد به سوی خود جلب می‌نماید، و هر که را که به سوی او بازگردد به سوی خود، هدایت می‌کند» (ترجمه مشکینی).

۹. «آیا آنها را شریکانی است که از احکام دین آنچه را که خدا بدان اذن نداده برای آنها تشریح کرده‌اند؟ و اگر نبود آن سخن قطعی حتماً میان آنها داوری قطعی می‌شد و حَقّاً که ستمکاران را عذابى دردناک است» (ترجمه مشکینی).

۱۰. «سپس تو را بر شریعتی (خاص) از امر (کلی دین، یعنی شریعت اسلام در برابر شریعت‌های چهارگانه گذشته) قرار دادیم پس، از آن پیروی کن و هرگز از هواهای کسانی که دانش ندارند پیروی مکن» (ترجمه مشکینی).

۱۱. «برای هریک از شما (امت‌ها) آیین و برنامه روشنی قرار دادیم. و اگر خداوند می‌خواست همه شما (امت‌ها) را بی‌تردید یک امت می‌کرد و لکن خواست در آنچه به شما داده شما را آزمایش کند» (ترجمه مشکینی).

دخل و تصرف انسان در عالم نیز مؤثر بوده و انسان آن دوران نیز در صدد تسلط بر این قوانین و ویژگی‌ها برآمده تا در جهت نیل به امیال خود از آن بهره جوید؛ مسئله سحر در دوره ملک سلیمان و اعمال آن توسط برخی در جهات باطل و از طرفی مقابله برخی دیگر با آن نمونه‌ای از این مسئله است؛ به طوری که به تصریح قرآن در برخی موارد تعلیم این امور به امر خداوند رخ می‌داد و در حقیقت به مثابه شریعتی بوده که در آن موضوع نازل می‌شد و بخشی از صورت واقعی زندگی بشر را در آن دوره تشکیل می‌داد (مکارم، ۱۳۷۴، ۳۷۰/۱).

بنابراین شریعت مسیر اتصال و ارتباط عالم ماده با ورای خود است که در قالب آن احکام، اخبار و قوانین الهی در اختیار بشریت قرار می‌گیرد و متناسب با آن حیات اجتماعی بشر تغییر می‌یابد و ویژگی‌هایی متفاوت از دوره قبل بر آن حادث می‌شود؛ لذا تفاوت ویژگی‌های حیات اجتماعی در دوره هر نبی را باید در ویژگی‌های شریعت آن نبی جست که از ظرف دین بر وی نازل شده است.

نکته مهم دیگر هدف تشریح است، تشریح برای چه علتی بوده و چرا شرایع متفاوت هستند؟ آیه ۱۳ سوره شوری «اقامه دین» را علت این مسئله بیان می‌کند. دین اگرچه در قرآن معانی متعددی مانند مطلق گرایش و اعتقاد، دین کافر، شریعت اسلام، شریعت یهود و غیره دارد اما در اینجا مراد «دین الحق» است که خداوند وعده برتری و ظهور آن بر سایر ادیان را داده است؛ «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَّالَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَّ مَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيمَ وَّ مُوسَىٰ وَّ عِيسَىٰ اَنْ اَقِيْمُوا الدِّينَ وَّ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلٰى الْمُشْرِكِيْنَ مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبِيْ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَاءُ وَّ يَهْدِيْ اِلَيْهِ مَنْ يُّنِيبُ» (سوره شوری، آیه ۱۳)۱۲.

شریعت امری است که در طول تاریخ انبیا از آبخوری به نام دین جریان یافته و فلسفه آن اقامه دین است؛ جریانی بودن، تاریخی بودن و استمرار تشریح متناسب با هر نبی و امتی نشان از این دارد که این غایت نیز غایتی تدریجی و تاریخی بوده و شریعت‌های گوناگون رسالت تحقق بخشی از این مهم را برعهده داشتند و با توجه به ختم نبوت، شریعت محمدیه (صلی الله علیه و آله وسلم) آخرین بخش از تحقق این آرمان بوده و وعده اقامه دین در متن همین شریعت به وقوع خواهد پیوست؛ به نظر می‌رسد آیاتی که وعده برتری و تفوق «دین الحق» را می‌دهند دلالت بر همین مسئله دارند به طوری که این امر

۱۲. «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه را به تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند.»

بر مخالفان دشوار بوده و مورد کراهت آنان است؛ دوران اقامه دین کیفیات و مختصات دارد که جزئیات آن را می‌توان مبتنی بر آیات و روایات به دست آورد.

برخی تفاسیر با اتکا بر آیه مذکور شریعت آسمانی را تنها مختص به انبیای اولوالعزم دانسته و تنها این شرایع را مستند به وحی دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۲۹/۱۸)؛ اما به نظر می‌رسد آیه در مقام بیان این مطلب است که شرایع مذکور از وجوه یکسان فراوانی برخوردار هستند نه اینکه تنها شریعت نازله موجود بوده و سایر انبیاء از شریعتی برخوردار نباشند؛ زیرا استنباط از آیه ۴۸ سوره مائده مفهم این معنی است که شریعت امری همگانی بوده و همه امت‌ها و ملل از آن برخوردار بودند. متتهی برخی از این شرایع توسط برخی دیگر یا جزئی از آن نسخ شده و شریعت جدیدی جایگزین شده است؛ «لِکُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجِئًا» (مائده، ۴۸) ۱۳.

شریعت در معنای وسیع آن علاوه بر حوزه اعتقادی با حوزه ابزار و فناوری مورد نیاز بشر نیز ارتباط پیدا می‌کند؛ آموزه‌های صریح قرآن بر این دلالت دارد که نزول آهن «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (سوره حدید، آیه ۲۵) ۱۴، نرم شدن آن «وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ» (سوره سبأ، آیه ۱۰) ۱۵ و تعلیم صنعت زره‌سازی (یا کلیت سلاح) به نبی خدا، منشائی الهی دارد «وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ» (سوره انبیاء، آیه ۸۰) ۱۶. حتی فراگیری طریقه دفن مردگان نیز منشأ الهی داشته است؛ «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِثُ سَوْءَةَ أُخِيهِ» (سوره مائده، آیه ۳۱) ۱۷. بنابراین مطابق اندیشه دینی و برخلاف آنچه به‌عنوان مبدأ پیدایش تمدن و فناوری تمدنی ذکر می‌شود، طبیعت آموزگار انسان نبوده بلکه تعلیمات الهی است که انسان در اثر آن چگونگی، روش و آیین حیات مادی و تأمین مقتضیات و نیازهای ناشی از آن را فرا گرفته است. در منابع تاریخ اسلامی چنین وارد شده است که بعد از هبوط، به فرشتگان گفته شد که بگذارید آدم (علیه‌السلام) از بهشت هر چه می‌خواهد بردارد. خداوند میوه‌های بهشتی را به آدم (علیه‌السلام) داده و صنعت همه‌چیز را به او آموخته و ابزار صنعت، مانند

۱۳. «ما برای هر قومی شریعت و روشی مقرر داشتیم».

۱۴. «و آهن را که نیروی شدید در آن است و منافع بسیاری دیگر برای مردم دارد نازل کردیم».

۱۵. «و آهن را بر او نرم کردیم».

۱۶. «و به سود شما ساختن زره را بدو تعلیم دادیم تا در جنگ شما را حفظ کند».

۱۷. «خدای تعالی کلاخی را مأمور کرد تا با متقار خود زمین را بکند (و چیزی در آن پنهان کند) و به او نشان دهد که چگونه جثه برادرش را در زمین پنهان کند».

سندان و چکش را بر او نازل کرده است. همچنین جبرئیل از بهشت گندم را آورده و طرز کاشت، درو، خرمن، آسیاب کردن، تهیه خمیر و پخت آن را به آدم (علیه السلام) می آموزد. جبرئیل برای این کار سنگ و آهن را آورده و با به هم ساییدن آنها آتش تهیه می کند (طبری، ۱۳۷۵، ص. ۷۸-۷۷). جبرئیل با سنگ آهنی که از بهشت آورده بوده به آدم آهنگری می آموزد، همچنین مطابق منابع تاریخی و روایی، حرفه های کشاورزی، خیاطی، آهنگری، چوپانی و برخی دیگر از علوم مانند طب و نجوم از همان روزهای نخستین به آدم (علیه السلام) تعلیم داده شد (بیگدلی، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۵). بنابراین جریان شریعت الهی، با تفسیری که گذشت، منشأ تمدن بوده و پایه های تمدن را بنا نهاده است و این امور به مثابه میراثی همراه با سلسله انبیاء انتقال یافته است. شریعت مقوله ای محوری در تبیین و تفسیر انشقاق نسلی امت اولیه، شکل گیری امت های متعدد از آن، اختلاط دوباره امت ها، ظهور و سقوط اقوام، تمدن ها و غیره است و تاریخ و اقوام تاریخی بر مدار توجه یا رویگردانی از آن بنا شده اند. در نتیجه تاریخ تمدن بشری با حدوث جریان الهی آغاز می شود و همین جریان، تمدن انسانی را تا پایان آن و نیل به سرانجام مقصود پیش می برد. محور این جریان ولی خدا است و عنصر سازنده آن در هر دوره ای، در حوزه آیین، روش و شمایل زندگی دنیایی مبتنی بر تعالیم الهی آن ولی است.



نتیجه گیری و پیشنهاد

تمدن ها بر اساس مجموعه عواملی (مادی و معنوی) شکل می گیرند که می توان آنها را عوامل و ارکان تمدن ساز نامید؛ این عوامل به مثابه امکاناتی برای ایجاد و بالندگی تمدن هستند. نکته مهم در اینجا این است که عوامل تمدن ساز نباید دچار رکود باشند تا بتوانند ضامن این عوامل بقای تمدن، رشد و بهینگی آن باشند. بنابراین باید عوامل سازنده از خاصیت جریان بر خوردار باشند و بتوانند با جریان مداوم خود در لایه های متعدد تمدن، پویایی آن را به ارمغان بیاورند. مفهوم جریان، عنوان عامی است که نمایانگر کیفیت ساخت و شکل گیری تمدن ها است؛ به طوری که مراحل شکل گیری، دگرگونی، رشد و افول تمدن ها هم در نگاه مادی و هم در رویکرد دینی را می توان با این مفهوم بیان کرد. در نگاه دینی تجلی مفهوم جریان تمدنی در آیین مفهوم شریعت منعکس می شود. شریعت، محوری ترین عنصر در تحلیل تمدن از منظر دینی است که مراد از آن صرف اعتباریات شرعی و احکام فقهی نبوده بلکه در

مفهومی فراخ و وسیع حوزه واقعیت و قوانین تکوینی و حتی ابزار و فناوری را نیز دربرمی‌گیرد؛ این امر کیفیت دخل و تصرف انسان در عالم را جهت‌دهی کرده و انسان آن دوران نیز درصدد تسلط بر این قوانین در جهت نیل به امیال خود برمی‌آید. لذا تفاوت ویژگی‌های حیات اجتماعی در دوره هر نبی را باید در ویژگی‌های شریعت آن نبی جست که از ظرف دین بر وی نازل شده است. شریعت از آبخوری به نام دین جریان یافته و فلسفه آن اقامه دین است؛ جریانی بودن، تاریخی بودن و استمرار تشریح متناسب با هر نبی و امتی نشان از این دارد که این غایت نیز غایتی تدریجی و تاریخی بوده و شریعت‌های گوناگون رسالت تحقق بخشی از این مهم را برعهده داشتند و با توجه به ختم نبوت، شریعت محمدیه (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آخرین بخش از تحقق این آرمان بوده و وعده اقامه دین در متن همین شریعت به‌وقوع خواهد پیوست.

نمای کلی مبانی دو وضعیت تمدنی در نگاه مادی و الهی به شرح زیر است:

نگاه مدرن	نگاه دینی	
مادی و در مرتبه بعد فکری، فرهنگی	شریعت الهی	جریان
داروینیسیم	خلقت الهی	منشأ پیدایش
انسان	الله - ولی الله	محور
ابداع بشری و خلاقیت فرهنگی برآمده از طبیعت، غریزه و انسانیات	تعلیم و حیانی و الهی	متنشأ علم و ابزار
آموزه‌های بشری	دین انبیاء	تجلی
تاریخ نبرد پادشاهان	نبرد میان دو جبهه انبیا و طواغیت	تاریخ
تکامل - سیر تطور ابزاری - بهشت زمینی	هبوط خلیفه الهی - اقامه دین (ملک مهدوی)	فلسفه تاریخ
آزادی - رقابت - تسلط - منفعت	تسلیم - عبودیت	منطق کردار

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. نشر آگه.
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۶). تبارشناسی مفهوم «تمدن»، (civilization) در غرب جدید. آینه پژوهش، شماره یکم، ۶۲-۵۳.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران، بنیاد بعثت.
- بیگللی، عطاءالله (۱۳۹۱). گفتارهایی در تاریخ تمدن. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. تهران، نشر نی.
- عسگری خانقاه، اصغر و کمالی، محمدشریف (۱۳۷۸). انسان‌شناسی عمومی، سمت، تهران.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵ش). تاریخ الأمم و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دیبا.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم، دارالکتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامی.
- ویل دورانت (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹). نظریه تمدن. ترجمه چنگیز پهلوان، چاپ دوم، تهران، نشر گویو.

ب) سایت‌ها

- جعفریان، رسول، برداشت ما مسلمانان از تمدن چیست؟، ۱۳۹۸، قابل دسترسی در:

<https://www.khabaronline.ir/news/1308137/>.

